



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۱۶

نگارگر

## فلک هم نمی تواند کور گره مشکل این کشور خداداد را باز گشاید

روزگاری رئیس جمهور قبلی افغانستان می گفت: "افغانستان به احزاب سیاسی ضرورت ندارد." ولی غیر من هیچ کس بدان عالیجناب نگفت که "آخر خانه پُر پلو اگر واقعاً این گفته راست است و افغانستان به عنوان یک استثناء از قاعده عمومی به احزاب سیاسی ضرورت ندارد تا چه وقت ضرورت ندارد؟"

چرا ضرورت ندارد و اگر به فرض محال ضرورت ندارد پس شما را چه مصیبت پیش کرده است که بر سری که هیچ درد ندارد دستمال می بندید و در وزارت عدلیه تان بیش از یک صد و بیست حزب را ثبت فرموده اید؟ وحتی یک بار هم معیارهای قبول شده تشکیل احزاب سیاسی را مرور نکرده اید و نفهمیده اید که احزاب سیاسی بر مبنای آرمان ها و عقاید همسان سیاسی تشکیل می شود و این آرمان ها و عقاید مشترک شب در میان به وجود نمی آید.

در کشور خداداد افغانستان احزاب سیاسی در سرزمین بیگانه و در محیط هجرت و زیر نظر یک کشور رقیب که همراهش دعوی بسیار دیرین و فیصله نشده داشتید تشکیل شد و با اینکه سالها می گذرد هنوز از پلاستای آن رجم بیگانه کاملاً جدا نشده است. در این احزاب برای هر ولایت افغانستان یک آمر ولایتی وجود داشت و احزاب برای اینکه سیاهی لشکر خود را بسیار جلوه بدهند و به حساب آن از کمشنری و کشور های کمک کننده خیمه و راشن بیشتر بگیرند آن آمر ولایتی برای هندو و مسلمان تصدیق می داد که مردی مسلمان است و در خاد و دیگر سازمانهای دولتی کابل کار نمی کند و طبیعی است که حزبی با یک جنین معیار تشکیلاتی میتوانست محل رخنه مأمون جاسوسان آ.ی.اس.آی پاکستان و خاد کابل هر دو باشد.

ناگفته پیداست که حزبی با جنین ساخت و تشکیلات نمی تواند به درد مبارزه سیاسی و رقابت های انتخاباتی در داخل کشور به کار بیاید. از سوی دیگر رهبران این احزاب در حالی که ملیون ها دالر سرمایه به هم زده بودند مدرک عایدات شان معلوم نبود چنانکه تا امروز هم نیست. مشکل دیگر هم اینکه احزاب در پشاور از همان آغاز کار به دودسته بنیاد گرا (اتحاد هفتگانه) و اعتدال گرا (اتحاد سه گانه) تقسیم شده بودند که نه خود میخواستند زمینه های اتحاد خود را جست و جو کنند و نه پاکستان میخواست که اینان را باهم متحد سازد.

اینان هر کدام یک ریاست معارف جداگانه داشتند. در ایران احزاب ایران نشین با عین همین معیارهای قومی و سمتی به وجود آمده بود به اضافه اینکه چون ایران مشوق مذهب اهل تشیع بود در آنجا احزاب این رنگ مذهبی را به صورت متباز داشتند. حالا که مردم هرات بیچاره داکتر عبدالله را به خاطر اینکه وزیری هراتی ندارد نفرین می کنند و از او ناراض استند یک حقیقت بدیهی را از یاد می برند که جمعیت اسلامی مرحوم ربانی پس از مرگ او تیت و پاشان شد و جناح هرات آن که رهبرانش اسماعیل خان و علاوالدین خان و جناب افضلی بود یا مُردند و یا مانند اسماعیل خان یتیم بی سرپرست ماندند که دیگر در معادلات سیاسی به هیچ حساب نمی آیند ولی احزاب ساخت ایران به حساب وحدت مذهبی وحدت حزبی خود را نیز نگاه داشته اند و در این میان عبدالله و

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اشرف غنی نیز که به عنوان دو تیم و نه دوحزب در انتخابات سهم گرفتند در درون آن دو تیم محقق و دوستم دو نیروی تعیین کننده بودند و رئیس جمهور و رئیس اجرائی نیز باید تسلیم تمایل آن دو می شدند و بدین ترتیب بود که علی رغم سروصدای رئیس جمهور روابط بر ضوابط حاکم گردید که اگر برعکس می بود من تعجب میکردم.

حالا اگر اینان کابینه را بر اساس سهم ولایات نیز تقسیم میکردند از کجا معلوم که ساکنان ولسوالی ها برای خود دعوی سهم نمی کردند و بنابراین برای کابینه سازان امری تعلیق به محال می شد اما چنانکه ولسوال ها را به اساس رقابت آزاد بر می گزینند میتوانند وزیران کابینه را به اساس همین رقابت آزاد بر می گزینند. من تر جیح میدادم اگر جناب رئیس اجرائی به عنوان یک نیروی مخالف در مبارزات پارلمانی شرکت می کرد اما به هر صورت وجود کم از کم سه حزب سیاسی تا انتخابات آینده یک ضرورت است و اگر هر دو رهبر این مسأله را جدی نگیرند باز هم همین آش خواهد بود و همین کاسه. تا این احزاب بر معیارهای ملی استوار نگردد و اقشار مختلف با معیار های عقیدتی و آرمانی گرد هم نیایند کور گره این مشکل باز نخواهد شد.

والله اعلم بالصواب ۱۵ جنوری ۲۰۱۵ بر منگم نگار گسر